

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

در تفسیر سوره حمد بعد از بیان پیام سوره وارد تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم شدیم. جلسه گذشته دو مطلب در مورد باء بیان شد که یکی تعیین نوع باء بود و دوم متعلق به باء بود. بیان شد که یک دفعه بسم الله غیر خدا است مانند گفتم بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای درس که این باء برای تبرک، برای استعانت می باشد ولی بعضی اوقات بسم الله الرحمن الرحیم قول خداوند است مانند بسم الله در قرآن یا بسم الله در نماز که این باء برای استعانت نیست.<sup>۱</sup>

### تفسیر باء بسمله

در مورد باء بسم الله قرآن خیلی حرف ها گفته شده است. یک مطلب غریب هم هست اینکه باء را سببیه در نظر بگیریم که متعلق به فعل مناسبی در خود سوره است. مثلاً در سوره حمد می گوئیم بسم الله الرحمن الرحیم (بنام خداوند .....<sup>۲</sup>) اگر باء را سببیه بگیریم باید بگوئیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین (در آهنگ خواندن یعنی لحن بیان باید سببیت و متعلق آشکار شود) یا بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد (گویا شخص قل هو الله احد را به سبب نام خداوند می گوید) در این دو مثال باء سببیت است و متعلق به عامل مناسبی در خود سوره است. برخی در بخشی از صحبت هایشان در تفسیر سوره حمد باء را سببیت می گیرند و البته روی این گفته خودشان نمی ایستند و از لابلای صحبت هایشان باء مصاحبت هم بیرون می آید.<sup>۳</sup> این نوع بیان کردن آیات حداقل اش این است که مثبت می خواهد؛ وقتی مثبت نباشد اینگونه می شود که فرزند امام خمینی (آقا مصطفی خمینی) در تفسیر قرآن خویش می گوید: إن هذه الكلمة سبقت للتبرک ایشان می گوید این حرف ها چیست که باء را سببیت بگیریم و بگوئیم بسم الله الرحمن الرحیم یس یا بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد. ایشان تبرک از خداوند را مشکل نمی دانند. هفته گذشته بیان شد که اگر تبرک از خداوند باشد چگونه است؟ اگر بنده بگوید اتبرک به اسم خداوند خوب است ولی خداوند بفرماید اتبرک بسم الله چه معنایی می دهد؟

۱. برخی از مفسرین باء بسم الله را استعانت گرفته اند. این بحث باء بسم الله در سلسبیل هم آمده و برای سابقه چند دهه بحث و گفتگو را دارد.

۲. ترجمه دقیق در ترجمه آیات بیان خواهد شد.

۳. اوائل انقلاب مرحوم امام خمینی در صدا و سیما تفسیر سوره حمد را برگزار می کردند و چند جلسه ای هم برگزار شد. منتهی از مشهد و شهرهای دیگر با حضرت امام تماس هایی گرفته شد و درس تفسیر ایشان تعطیل شد. حاصل جلسات تفسیری در تلویزیون یک کتابچه به نام تفسیر سوره حمد شد. مقاله ای که گاهی به آن ارجاع می دهیم ناظر به همین صحبت های حضرت امام در تفسیر سوره حمد است.

عنوان مقاله با امام در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم.

نویسنده‌ای فاضل می‌گوید اصلاً چه کسی گفته که به ا تبرک متعلق است؟ اصلاً بسم الله الرحمن الرحیم شعار<sup>۱</sup> است، هم وقتی خداوند می‌فرماید شعار است و هم وقت که بنده می‌گوید. مثلاً نویسنده اول کتاب خود را با بسم الله شروع می‌کند و لذا نویسنده فاضل می‌گوید بسم الله الرحمن الرحیم متعلق به چیزی نیست. ایشان کل بسم الله را برای تبرک می‌گیرد که خداوند وقتی می‌خواهد یاد بدهد می‌گوید و وقتی ما می‌گوئیم برای این است که یاد گرفته‌ایم. اگر دقت شود دیگر شبیه هفته گذشته پیش نمی‌آید که خداوند نمی‌تواند استعین بسم الله الرحمن الرحیم بگوید و همچنین درست نیست که ا تبرک بسم الله الرحمن الرحیم بگوید. کسانی مانند مرحوم امام خمینی می‌گوید باء بسم الله در هر سوره‌ای متعلق به عامل مناسب خودش است و یک ثمره فقهی هم در نظر می‌گیرد.

### ثمره فقهی بسم الله الرحمن الرحیم در بیان امام خمینی

نمازگزار وقتی می‌خواهد سوره‌ای را انتخاب کند باید قبل از بسم الله الرحمن الرحیم سوره را انتخاب کند. ما در هر دو رکعت اول نماز دو سوره قرائت می‌کنیم؛ سوره اول که مشخصاً حمد است، بعضی‌ها می‌گویند اجمالاً رکعت اول و دوم همه نمازها که با حمد شروع می‌شود تعیین بسمله را نمی‌خواهد، مثلاً بسم الله الرحمن الرحیم را می‌گوید یک دفعه یادش می‌آید که باید حمد را بگوید؛ در اینگونه موارد می‌گویند همان تعیین اجمالی کافی است. مشکل در سوره دوم رکعتین است مخصوصاً برای کسانی که سوره‌های مختلف را قرائت می‌کنند مثلاً یک بار سوره ناس، یک بار سوره اخلاص، یا در شب جمعه و روز جمعه سوره مستحبی همان روز را می‌خواند یا در عید فطر سوره اعلی را می‌خواند. در رساله‌ها آمده است که نمازگزار می‌تواند لاعلی التعین بسم الله الرحمن الرحیم را بگوید و بعد یک لحظه فکر کند که کدام سوره را بخوانم و یک سوره را می‌خواند. خیلی از فقها این عمل را صحیح نمی‌دانند و اگر کسی عمداً این کار را بکند نمازش باطل است.

در رساله‌ها آمده که تعیین سوره قبل از گفتن بسم الله لازم است و اگر بسم الله را بدون تعیین سوره گفت دوباره بسم الله را بگوید. مرحوم امام خمینی در ثمره فقهی بسم الله می‌گوید نمازگزار باید قبل از گفتن بسم الله سوره را تعیین کند. مثلاً اگر می‌خواهد سوره اخلاص را بخواند ابتدا سوره اخلاص را مشخص کند سپس بسم الله الرحمن الرحیم را بگوید. با این ثمره بسم الله در هر سوره فرق می‌کند. مرحوم شیخ انصاری در کتاب الصلاة آورده است که نمازگزار باید سوره را تعیین کند اما تعیین ایشان از باب دیگری است.<sup>۲</sup>

۱. تعبیر شعار از استاد علی دوست می‌باشد.

۲. انشاءالله آیات الاحکام را به صورت ویژه بررسی خواهیم کرد. ما یک دوستی داریم که رشته تخصصی ایشان مخابرات است. ایشان می‌گفت که بنده بسم الله های قرآن را به رایانه می‌دهم و سیستم به هر بسم اللهی یک جور عکس العمل نشان می‌دهد، البته چون بنده تخصص خاصی نداشتم جوابی هم ندادم ولی نفهمیدم که این عکس العمل‌های متفاوت سیستم بخاطر خود سیستم است یا بخاطر فیزیک بدنی شخص است.

## نظر نهایی

## مقدمه

باء بسم الله چه بائی است و متعلق به چیست؟ اگر بخواهیم در قرآن باء بسم الله را مشخص کنیم باید ببینیم رابطه خداوند با مخلوقات (بندگان) چه رابطه‌ای است؟ یعنی ما باید در ابتدا یک خدایی را قبول کنیم، سپس یک خلقی را قبول کنیم (کسانی مانند سوفسطائیان که عالم را خیال می‌دانند از بحث خارج هستند و لذا دکارت می‌گوید من شک می‌کنم پس هستم و معرفت فلسفی خودش را از همین جا شروع کرد) پس اگر ما خدا را بپذیریم و خلق را هم بپذیریم از اینجا بحث همه‌خدائی شروع می‌شود یعنی خداوند مظاهر وجود است. یک بحثی است که ما می‌توانیم علت و معلول بگوئیم یا نگوئیم. خیلی از مخالفین فلسفه یکی از اشکالاتی که بر فلسفه می‌گیرند همین است که می‌گویند شما می‌گوئید خدا علت العلل است و عالم معلول است و می‌خواهید یک نوع جدایی بین خدا و مخلوقات بیان‌دازید و این جدایی کفر و شرک است. امام خمینی هم می‌فرماید نباید علت و معلول گفت و به گمانم بنده ندیده‌ام که ائمه تعبیر به علت داشته باشند.

بنده روایتی آورده‌ام که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: لِأَنَّهُ جَلَّ تَنَازُؤُهُ عِلَّةٌ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ بِعِلَّةٍ لَهُ.<sup>۱</sup>

حتی بعضی‌ها می‌گویند تعبیر سبب و سببیت هم نگوئید که اگر بنا است سبب و سببیت نگوئیم پس باء سببیت را هم نباید بگوئیم. پیشنهادی که بعضی‌ها می‌گویند این است که از تعبیر قرآن استفاده کنیم یعنی تعبیر خالق، خلق، تعبیر تجلی ﴿تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا﴾ که عالم مجلی بشود یا مظهر شود. اگر این تعابیر استفاده شود کسی هم ایراد نمی‌گیرد.

تعبیر آیت الله (نشانه خدا) که شاید نزدیک ۳۰۰ بار استفاده شده است مانند آمدن روز، رفتن شب و آمدن شب، ماه، ستارگان، خلق ازواج، آمدن بهار و غیره تعبیر به نشانه خدا کرده است.

دلیل مخالفت این است که می‌گویند علت از معلول و معلول از علت جداست ولی آیا خدا از خلق خویش جدا است که جدا نیست. در جواب می‌گوئیم چه کسی گفته که علت از معلول جدا است، در معنای علت خوابیده که نخوابیده پس چه اشکالی دارد که از تعبیر علت و معلول استفاده شود.

۱. توحید المفضل، جلد ۱، صفحه ۱۷۹

همین تعابیری که ائمه دارند: يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنْ الْعَدَمِ (ای آفریننده ی هرچیز از نیستی)<sup>۲</sup> خداوند از نطفه، علقه خلق می کند.

چه اشکالی دارد که همین تعابیر را استفاده کنیم. اگر کسی سبب مسبب بگوید، بگوید تجلی هیچ اشکالی ندارد. آقا شیخ محمد تقی عاملی می گوید: من همه این ها را می گویم ولی معتقد هستم به آنچه که واقع است و رسول صادق مصدق مصدق.

نظر نهایی استاد باقی ماند.

۱. من در اینجا معنای بعد می دهد یعنی خلق الأشياء بعد العدم

۲. دعای جوشن کبیر فراز ۸۱